

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو

محمد حسینی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۰۵

چکیده

حقوق نرم در حقوق بین‌الملل به عنوان مجموعه قواعد بسیار مورد اختلاف در میان حقوقدانان از نظر اصل اثر حقوقی و میزان آن، ماهیت تبعیت تابعان حقوق بین‌الملل از قواعد مذکور و دامنه‌ی قابلیت استناد در حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو نیز مورد بحث، ابهام و اختلاف فراوان بوده است. مقاله‌ی حاضر بر آن است ضمن ارایه‌ی شرحی از روند شکل‌گیری قواعد نرم در حقوق بین‌الملل فضا و تحلیل اتکای سنتی این حقوق به منابع سنتی حقوق بین‌الملل در راستای درک اهمیت کارکردها و جایگاه قواعد نرم در حقوق مذکور به تعریف حقوق نرم و تحلیل آن در نظام حقوقی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو بپردازد. طی پژوهش حاضر پس از تحلیل و عنصرشناسی قواعد نرم در حقوق بین‌الملل فضا و نیز بیان نظرات مخالف کارکرد بنیادین قواعد نرم در حقوق بین‌الملل برای هر یک از شقوق مثال‌هایی در راستای حصول درک عمیق‌تر ذکر خواهد گردید. در آخر ضمن جمع‌بندی مطالب عنوان شده موضع حقوقی نگارنده در خصوص قواعد نرم و جایگاه آن در نظام حقوقی راجع به فضای ماورای جو و هم‌چنین موضع حقوقی پیشنهادی به دولتها و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل در خصوص ایجاد و استفاده از حقوق نرم در این حوزه بیان می‌گردد.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو - منابع حقوق بین‌الملل - حقوق نرم

- معاهدات بین‌المللی - عرف بین‌المللی - کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو

*

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۲

۱. مقدمه

فقر قواعد حقوقی در عین توسعه علمی و فنی صنعت فضا جامعه‌ی حقوقی بین‌الملل را بر آن داشت تا محاکم، مجامع و مؤسسات بین‌المللی را برای تدبیر و واکنش در برابر تحولات مستمر حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو تأسیس و رسالت قاعده‌مند سازی جزئی و مشروح‌تر در مورد فعالیتهای فضایی را بر عهده آنها نهند. شناسایی دقیق تعهدات مندرج در هر نظام حقوقی منجر به افزایش «قطعیت»^۱ در نظام فوق خواهد شد که اولین لازمه‌ی تأثیر ضمانت اجراهای نظام مذکور خواهد بود. به عبارتی میزان «قطعیت» در تعیین دامنه‌ی تعهدات ماهوی و شکلی تابعان در هر نظام حقوقی عیار سنجش قابلیت اجرای مقررات آن نظام می‌باشد.

منابع ایجادکننده‌ی تعهد برای بازیگران حقوق بین‌الملل را «منابع حقوق بین‌الملل» تشکیل می‌دهند و ایجاد قطعیت و پیش‌بینی‌پذیری ناشی از آن در روابط حقوقی بین‌المللی از جمله روابط فضایی دولتها مرهون مشخص گردیدن تعهدات دولتها در رابطه با نظام حقوقی مذکور و استخراج تعهدات حقوقی مذکور با توسل به منابع حقوق بین‌الملل می‌باشد. اگرچه این مسأله در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دایمی و در ماده جانشین خود در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تصریح نشده است اما ماده مذکور به ترتیب و بدون ذکر اولویت معاهدات، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی، را به عنوان منابع اصلی و رویه قضایی و دکترین را به عنوان منابع فرعی حقوق بین‌الملل شناسایی نموده است. حقوقدانان و نویسندگان از منابع مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان تحت عنوان منابع «مادی» و یا «رسمی» یاد نموده‌اند. منابعی که هر کدام به کرات توسط هر دو دیوان سابق و فعلی بین‌المللی دادگستری مورد استناد واقع گشتند. اگر چه منابع مذکور طی سالیان متمادی پایه‌های خود را به عنوان منابع حقوق بین‌الملل مستحکم نموده‌اند اما به خصوص در سالهای اخیر در برآیند تحلیل‌های آکادمیک

^۱. Certainty

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۳

حقوقدانان معاصر چالشهای زیادی نیز در مقابل منابع مختلف قرار گرفته است. صرف نظر از بیانیه‌های یکجانبه‌ی دولتهایکی از مهم‌ترین مواردی که به عنوان منبع حقوق از چشم تدوین‌کنندگان اساسنامه‌ی دیوان پنهان مانده است مجموعه قواعد و مقرراتی می‌باشد که بدون اعتقاد حقوقی به الزام آورد بودن آنها مبنای رفتار دولتها قرار می‌گیرند. مجموعه قواعد و مقرراتی که امروزه از آنها تحت عنوان «حقوق نرم» یاد می‌گردد.

۲. تعریف و تشکیل «حقوق نرم» در حقوق بین‌الملل فضا

در خصوص تعریف «حقوق نرم» میان حقوق دانان مختلف اختلاف نظرهای عمیقی وجود دارد. نظرات موجود طیف گسترده‌ای از اعتقاد به «الزام‌آوری قاعده نرم» برای دولتها و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل و از سویی دیگر بی‌اثری و غیرحقوقی بودن قواعد مذکور را شامل می‌گردد. منظور از «حقوق نرم» از منظر نگارنده مجموعه قواعد و مقررات غیرالزام‌آوری است که به ویژه ضمن اسناد بین‌المللی پیش‌بینی می‌شوند اما در شمار منابع سنتی حقوق بین‌الملل شناسایی شده به موجب ماده ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری محسوب نمی‌گردند. تعهدات متعدد خاصی ضمن معاهدات فضای سازمان ملل را می‌توان تعهدات نرم محسوب نمود.

به عنوان مثال تعهد مندرج ضمن ماده اول «معاهده اصول حاکم بر فعالیتهای دولتها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی» مبنی بر «اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی در راستای منافع و علایق تمامی دول، فارغ از میزان توسعه‌ی اقتصادی و علمی» تعهدی نرم در این حوزه به شمار می‌رود.^۲ علاوه بر قواعدی که می‌توان اصل آنها را در زمره‌ی قواعد نرم محسوب نمود قواعدی نیز وجود دارند که اگر چه در اصل قواعدی الزام‌آور تلقی

^۱. M. Chinkin Christine, The Challenge of Soft Law: Development and Change in International Law, The International and Comparative Law, ۳۸, ۱۹۸۹, ۸۵۰-۵۲

^۲. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and other Celestial Bodies, ۱۹۶۷, art. ۱

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^۴

می‌گردند با این وجود اقتضای عمل به تعهدات زیرمجموعه‌ی قواعد مذکور در برخی موارد نرم می‌باشد. به عنوان مثال بند اول ماده چهارم «معاهده ثبت اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو ۱۹۷۵» تصریح می‌دارد: «هر دولت ثبت‌کننده در اولین فرصت ممکن اطلاعات ذیل را در مورد هر شیئی فضایی ثبت شده در مرکز ثبت ملی خود به دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه خواهد نمود...»^۱ بند سوم همان ماده تصریح می‌دارد: «هر دولت ثبت‌کننده در [اولین فرصت ممکن] و [تا حدی که امکان‌پذیر باشد]^۲ دبیرکل سازمان ملل متحد را نسبت به وضعیت اشیای فضایی که قبلاً اطلاعات آنها را ارسال کرده بود و در مدار زمین قرار داشته است ولی اکنون دیگر در مدار نیستند، آگاه خواهد ساخت».^۳ تعهد به «اطلاع در اولین فرصت ممکن و تا حدی که امکان‌پذیر باشد» در این جا تعهدی نرم محسوب می‌گردد.

در صورتی که حقوق بین‌الملل را بر اساس تعریف سنتی آن حقوقی «برساخته توسط دولت‌ها» برای «تبعیت دولت‌ها» در نظر بگیریم بدیهی است که دولت‌ها قصدی مبنی بر تبعیت از قواعدی که امروزه قواعد نرم حقوق بین‌الملل خوانده می‌شوند نداشته و ندارند. با این وجود ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که بسیاری از قواعدی که پیش از این تحت عنوان قواعد نرم از آنها یاد می‌گردید امروزه در زمره قواعد حقوق سخت و الزام‌آور محسوب می‌گردند. به عنوان نمونه یکی از بارزترین نمونه‌ی ورود مقررات نرم به حوزه‌ی عرفی در حقوق بین‌الملل معاصر را می‌توان «لزوم اهتزاز پرچم دولت متبوع کشتی بر فراز آن» می‌باشد.

این قاعده بدون اعتقاد حقوقی دولت‌ها به رعایت آن از بدو تشکیل دولت‌ها (و هزاران سال پیش از آن) به صورت یک کد رفتاری غیرالزام‌آور توسط دولت‌ها در خصوص کشتی‌های خود رعایت می‌شده است. با این وجود علیرغم عدم الزام‌آوری این قاعده در

^۱. Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space, ۱۹۷۵, art. ۱(۱)

^۲. تأکید از نگارنده است.

^۳. Ibid, art. IV(۳)

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^۵

بدو امروزه عدم رعایت این قاعده توسط یک دولت ولو آن که به هیچ‌یک از معاهدات حقوق دریاها نیز نپیوسته باشد تخلف از عرف بین‌الملل محسوب می‌گردد. از قضایکی از ویژگیهای ناب حقوق نرم هم آن است که دولتها با این اعتقاد که تعهدی به انطباق رفتار خود با قواعد مذکور ندارند آن را مورد رعایت قرار می‌دهند و با این اعتقاد که هر زمان اراده‌ی دولت بر عدم تبعیت از قاعده‌ی مذکور قرار گرفت از استمرار پیروی از قاعده‌ی موجود صرف‌نظر خواهد نمود. همین خصیصه‌ی حقوق نرم است که موجب می‌گردد آن دسته از قواعد نرمی که با اقبال دولتها مواجه می‌گردند و به صورت گسترده مورد استفاده آنها قرار می‌گیرند رفته رفته قابلیت تبدیل به قواعد الزام‌آور عرفی و یا انعکاس‌یافته ضمن معاهده را پیدا کنند. «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر»^۱ که طی قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل با ۴۸ رأی موافق و بدون مخالف تنها با هشت رأی ممتنع مورد تصویب دولتها قرار گرفت بارزترین مثال در این خصوص تلقی می‌گردد.^۲

قطعنامه‌ی مذکور در فضایی مملو از تأیید، تحسین و تشویق بین‌المللی به تصویب رسید. با این وجود اندک زمانی پس از تصویب آن دولتها یک به یک با صدور اعلامیه‌هایی ابراز داشتند که مفاد مندرج اعلامیه صادره به موجب قطعنامه‌ی مجمع عمومی جنبه‌ی الزام‌آور برای دولتها نداشته بلکه صرفاً بیانه‌ای گویای اصول آرمانی است که کشورها می‌بایست تحت تعهدی به وسیله (و نه به نتیجه) در راه نیل به رعایت آنها گام بردارند. حتی روزولت رییس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، دولتی که سعی در به دست آوردن ابتکار عمل در اغلب مذاکرات راجع به حقوق بشر می‌نمود پس از تصویب قطعنامه اظهار داشت: «اعلامیه مذکور حاکی و یا حاوی تعهدات حقوقی الزام‌آور برای دولتها نمی‌باشد بلکه بیشتر در مقام بیان استانداردهایی غیرالزام‌آور مترصد

^۱. Universal Declaration of Human Rights

^۲. UN General Assembly Resolution ۲۱۷A (III) on the Universal Declaration of Human Rights, ۱۹۴۸.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^۶

رعایت توسط یکایک ملت‌ها می‌باشد.^۱ نقل قول مذکور مبین عقیده حقوقی غالب دولتها در خصوص قواعد نرم می‌باشد مبنی بر آن که این گونه مقررات بیانگر آرمانها و پیشنهادهای چند در خصوص مسایلی که اگر چه ممکن است از قضا حایز اهمیت ویژه نیز باشند اما غیرالزام‌آور بوده و بیشتر با هدف تعیین خط مشی در رسیدن به اهداف مورد نظر تدوین گردیده‌اند. «اعلامیه‌ی استکهلم»^۲ و هم چنین «اعلامیه‌ی ریو»^۳ دو نمونه بارز دیگر از این دست اسناد در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌گردند. اسناد مذکور زمینه و بنیان قواعد الزام‌آور آینده را فراهم می‌سازند. این گونه اسناد حاوی تعهدات نرم مجموعه استانداردها و دستورالعمل‌هایی را جهت انطباق رفتار کشورها با اصول کلی حقوق بین‌الملل محیط زیست فراهم می‌نمایند در عین حال عاری از «الزام حقوقی» و فشار بین‌المللی قواعد سخت می‌باشند اگر چه با ادامه‌ی رفتار دولتها و استمرار رعایت قاعده زمینه تبدیل آنها به قاعده‌ای عرفی و یا انعکاس آن ضمن معاهده فراهم می‌گردد.^۴

ممکن است استدلال گردد اسنادی که بدین ترتیب حاوی تعهدات به اصطلاح نرم می‌باشند از آن جا که فاقد هر گونه الزام حقوقی هستند نمی‌توانند اساساً «حقوقی» تلقی گردند و تعهدات مندرج در آنها را نیز نمی‌توان در زمره «حقوق» و «قواعد حقوقی» محسوب نمود. باین وجود در خصوص همان مثال اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر باید گفت جامعه جهانی سند مذکور را با همه‌ی نرم بودن به همراه «میثاق حقوق مدنی سیاسی» و نیز «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» «منشور حقوق بشر»^۵ نامیده است. حتی دادگاه داخلی تجدیدنظر ایالات متحده، کشوری که مرتباً بر عدم الزام حقوقی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اصرار می‌ورزید در رأی خود در قضیه‌ی

^۱. US Department of State Bulletin No. ۱۹, ۱۹۴۸, p. ۷۵۱.

^۲. Stockholm Declaration

^۳. Rio Declaration

^۴. Dupuy Pierre-Marie, Soft Law and the International Law of the Environment, Michigan Journal of International Law, ۱۲, ۱۹۹۱, pp. ۴۲۰-۲۸.

^۵. Bill of Rights

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۷

«فیلارتیگا علیه پنا-ایرالا»^۱ تصریح می‌کند: «امروز اعلامیه جهانی حقوق بشر از گفتمان بیانی‌ی غیرالزام‌آور- معاهده الزام‌آور خارج گشته و تبدیل به اعلام نظر حقوقی معتبر جامعه جهانی گشته است».^۲ نکته‌ی دیگر در خصوص قواعد نرم مذکور آن است که این قواعد ممکن است در صورت تکرار و احراز «شرط مادی» شکل‌گیری عرف بین‌المللی، همزمان «عنصر معنوی» مورد لازم برای آن که همانا «اعتقاد حقوقی به الزام‌آور بودن قاعده» می‌باشد را نیز احراز و عرف جدیدی در فضای حقوق بین‌الملل متولد گردد. به همین ترتیب دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود در «قضیه نیکاراگوئه» در احراز عرف بین‌المللی مبنی بر ممنوعیت توسل به زور تنها به مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل اشاره می‌نماید و هیچ‌گونه اشاره به قواعدی که بر اساس تعریف ماده ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری منابع الزام‌آور حقوق بین‌الملل شناخته می‌شوند نشده است.^۳

قواعد نرم در حوزه فضای ماورای جو نیز می‌تواند به ترتیب فوق راه برون‌رفت از بن‌بست اختلافات اقتصادی وایدئولوژیک دولتهای فعال در این عرصه باشد. «کمیته‌ی استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو (کوپوس)» نیز با همین هدف همزمان با پرتاب فضایی‌ی «اسپوتنیک ۱»^۴ در اکتبر ۱۹۵۷ مذاکرات گسترده‌ای را در خصوص اصول حقوقی قابل اعمال در خصوص فعالیتهای مختلف صلح‌آمیز فضایی از همان زمان آغاز و پاسخ حقوقی به سیر صعودی تمایل دولتها به آن جام فعالیتهای فضایی را در دستور کار خود قرار داد. برای کوپوس بدیهی بود که در آن تاریخ تدوین قواعد عام الشمول مورد توافق تمام دولتها امکان‌پذیر نخواهد بود باین وجود کمیته فرعی حقوقی کوپوس تعهد خود را به «حفظ دیدگاه‌های روزآمد خود همگام با توسعه فناوری و اعمال

^۱. Flartiga v. Pena-Irala

^۲. US Circuit Court of Appeals, ۲nd Circuit, ۱۹۶۶, ۱۹ ILM.

^۳. ICJ Rep. ۱۹۸۶ (Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Nicaragua V. United States of America), Judgment (Merits) ۲۷ June ۱۹۸۶, para. ۱۲.

^۴. Sputnik I

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^۸

فضایی» اعلام و در گزارش «کمیته موقت استفاده‌ی صلح‌آمیز از فضای ماورای جو» به مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۵۹ منعکس نمود. به علاوه بااین که در آن زمان تعهدات نرم در حقوق بین‌الملل مانند امروز برای جامعه‌ی بین‌المللی شناخته شده نبود کمیته‌ی کوپوس در خصوص برخی فعالیت‌های خاص ماهواره‌ای پیشنهاد داد که پیش از به ثمر رسیدن مذاکرات دولتها اسنادی تحت قالب قطعنامه‌های مجمع عمومی نظام‌مندی حقوقی این حوزه را غنا بخشد.^۱

این گرایش در تمامی مناسبات سازمان ملل در خصوص فضای ماورای جو باقی ماند تا بدان جا که پیش از نهای شدن معاهدات سازمان ملل در خصوص حقوق فضای ماورای جو بسیاری از اصول مندرج در این معاهدات تحت قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل به صورت غیرالزام‌آور منعکس گردیدند.

قطعنامه‌ی مجمع عمومی در سال ۱۹۶۳ تحت عنوان «اعلامیه اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های دولتها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو» اولین ماحصل این تمایل در حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو محسوب می‌گردد. (GA Res. XVIII (۱۹۶۳) عزم کوپوس برای ایجاد قواعد نرم در حوزه‌ی حقوق فضا به قطعنامه‌ی مذکور منحصر نگردید بلکه در سالهای بعد به ترتیب قطعنامه‌های اصول حاکم بر فعالیت‌های دولتها در زمینه‌ی استفاده از اقمار مصنوعی برای پخش برنامه‌های تلویزیونی (۱۹۸۲)، اصول مربوط به نحوه‌ی سنجش از راه دور از فضای ماورای جو (۱۹۸۶)، اصول مربوط به استفاده از منابع انرژی هسته‌ای در فضای ماورای جو (۱۹۹۲)، اعلامیه‌ی اصول مربوط به همکاری بین‌المللی دولتها در زمینه‌ی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو با در نظر گرفتن منافع مشترک بشریت با بذل توجه ویژه به منافع کشورهای در حال توسعه (۱۹۹۶) به ابتکار کوپوس یکی پس از دیگری مورد تدوین و تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفتند.

^۱. UN DOC. A/۴۱۴۱ (Report of the Ad Hoc Committee on the Peaceful Uses of Outer Space to the United Nations General Assembly), ۱۹۵۹. part. ۳

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^۹

حاکمیت حقوق بین‌الملل بر فضای ماورای جو، اصل ترویج همکاری و تفاهم در فعالیتهای فضایی، تبادل اطلاعات در پخش برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره و اطلاعات حاصله از مشاهدات صورت گرفته از زمین توسط ماهواره‌ها و نهایتاً اصول کلی استفاده از منابع انرژی هسته‌ای مورد نیاز برای بهره‌برداری و استفاده از فضای ماورای جو از جمله اصولی هستند که به وسیله اسناد مذکور مورد تأکید قرار گرفتند.

۲-۱- معاهدات نرم (معاهدات حاوی اصول کلی پیشنهادی)

اصولی که مورد اشاره قرار گرفتند اصولی هستند که تحت قطعنامه‌های مذکور به عنوان «اصول حقوقی نرم» مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. باین حال برخی از این اصول در معاهداتی که بعدها منعقد گردیدند به صورت قواعد الزام‌آور تدوین و برای امضا توسط دولت‌ها مفتوح و سپس منتشر گردیدند. قطعنامه‌ی «اعلامیه‌ی اصول - ۱۹۶۳» از این حیث نمونه‌ی کامل به شمار می‌رود. اصول مندرج در قطعنامه‌ی مذکور اندکی بعد در سال ۱۹۶۶ با تغییرات اندک تحت معاهده «اصول حاکم بر فعالیتهای دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی» توسط قطعنامه‌ی ۲۲۲۲ مجمع عمومی سازمان ملل مورد تدوین قرار گرفت و با اجرایی شدن در ۱۹۶۷ اولین سند بین‌المللی الزام‌آور در خصوص فعالیتهای دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو را ایجاد نمود.

قطعنامه‌ی اعلامیه اصول ۱۹۶۳ اولین سند در نظام‌مندسازی حقوقی فضای ماورای جو تلقی می‌گشت. باین وجود نمی‌توانست به عنوان سندی الزام‌آور مورد استناد قرار گیرد و به تصریح مقدمه خود قطعنامه صرفاً جهت «راهنمایی» دولت‌ها مورد تدوین و صدور قرار گرفته بود.^۱ ماهیت غیرالزام‌آور اصول مندرج در قطعنامه‌های مجمع عمومی توسط قطعنامه‌ای که توسط همان مجمع یک سال قبل در خصوص «همکاری

^۱. GA Res. XVIII (Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space), ۱۹۶۳, Preambular para.^۸

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^{۱۰}

بین‌المللی در خصوص بهره‌برداری مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو» به تصویب رسیده بود مورد اشاره قرار گرفته و بر نیاز بین‌المللی به تدوین معاهده‌ی الزام‌آوری که اصول مورد بحث را در متن خود منعکس نماید تأکید شده بود.^۱ گرایش به تدوین اصول حقوقی تحت اسناد بین‌المللی به کوشش سازمان ملل و به ابتکار کمیته‌ی استفاده‌ی صلح‌آمیز از فضای ماورای جو (کوپوس) تا به امروز استمرار داشته و از آخرین موارد مورد بحث برای درج ضمن اسناد مشتمل بر حقوق نرم می‌توان مسأله «زباله‌های فضایی» را نام برد.^۲

۲-۲- انعکاس قواعد نرم در «عرف بین‌المللی»

علاوه بر معاهداتی که اصول و مقررات مندرج در خود را از قواعد نرم موجود پیش از تدوین متن معاهده به وام گرفتند «عرف بین‌المللی» نیز در حوزه کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو اتکای شایانی به حقوق نرم موجود در این حوزه داشته است. آیین امر در قابلیت تبدیل مقررات نرم در حقوق بین‌الملل به عرف بین‌المللی تردیدی باقی نگذاشته است.^۳ علاوه بر قابلیت تبدیل مقرره‌ی واجد وصف نرم در حقوق بین‌الملل به یک قاعده‌ی عرفی بین‌المللی در پی استمرار رفتار مادی با اعتقاد حقوقی مبنی بر لزوم رعایت قاعده، گاه نیز سند بین‌المللی صادر شده به عرف تبدیل نمی‌گردد بلکه این قاعده‌ی عرفی بین‌المللی شکل گرفته است که پس از توافق ضمنی دولتها نسبت به رعایت آن به وسیله‌ی انعکاس توافق قابل ملاحظه‌ی مذکور ضمن یک سند بین‌المللی ولو غیرالزام‌آور منعکس می‌گردد. این امر بر الزام‌آوری عرف

^۱. GA Res XVII (International Co-operation in the Peaceful Uses of Outer Space, ۱۹۶۲, para. I(۱))

^۲. UNCOPUOS Rep. A/AC.۱۰۵/۸۹۰ (Report of the Scientific and Technical Subcommittee ۴۴th session, Annex ۴.) ۲۰۰۷, p.۴۲.

^۳. J. Lee Rickey & Freeland Steven, The Crystallisation of General Assembly Space Declarations into Customary International Law, Proceedings of the ۴۶th Colloquium on the Law of Outer Space, ۲۰۰۴. P. ۱۲۲.

^۴. M. Chinkin Christine, The Challenge of Soft Law: Development and Change in International Law, The International and Comparative Law, ۳۸, ۱۹۸۹, p.۸۵۷.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^{۱۱}

موجود ولو آن که ضمن سندی با ماهیت بیانیه غیرالزام‌آور بیان شده باشد تأثیری نخواهد گذارد. اصل عرفی «عدم امکان تملک ملی فضا» مثالی بارز در این خصوص محسوب می‌گردد. اصل سوم مورد اشاره «اعلامیه اصول کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو» تصریح می‌دارد: «فضای ماورای جو و دیگر اجرام آسمانی نمی‌توانند از طریق ادعای حاکمیت یا به وسیله‌ی بهره‌برداری یا اشغال یا به هر طریق دیگر مورد تملک ملی قرار گیرند».^۱

تمام محتوای اصل مذکور با تغییرات بسیار اندک عیناً در ماده دوم معاهده اصول ۱۹۶۷ انعکاس یافت.^۲ با وجود انعکاس قاعده‌ی مذکور ضمن معاهده‌ای الزام‌آور مانفرد لاکز حقوقدان برجسته و قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مخالف خود در قضیه فلات قاره دریای شمال اظهار داشت که قاعده‌ی «عدم امکان تملک ملی فضا» نه تنها پیش از درج ضمن «معاهده‌ی اصول ۱۹۶۷» بلکه حتی پیش از آن که در «اعلامیه‌ی اصول ۱۹۶۳» بدان تصریح گردد در زمره اصول عرفی بین‌المللی محسوب گردیده و لازم‌الاتباع برای تمامی دولتها می‌باشد.^۳

در تأیید نظر پروفیسور لاکز می‌بایست گفت زمانی که معاهده‌ی اصول حاکم بر کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو نهایی شد هر دو قدرت فضایی جهان (ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق) فعالیت‌های متعدد و متنوع فضایی را به انجام رسانیده بودند اما در این دوران طی هیچ‌یک از فعالیت‌های مذکور و توسط هیچ‌یک از این دولتها تمام یا بخشی از فضای ماورای جو مورد ادعای حاکمیت ملی آنها قرار نگرفت. خلاف این رویه را در همان دوران می‌توان در فعالیت دولتهای مختلف در قاره

^۱. GA Res. XVIII (Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space), ۱۹۶۳, para.۳

^۲. UN Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and other Celestial Bodies, ۱۹۶۷, art.II

^۳. ICJ Report ۱۹۶۹, North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany v. Denmark and Federal Republic of Germany v. The Netherlands, (Dissenting opinion of Judge Lachs) ۲۰ February ۱۹۶۹, ۲۳۱.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۱۲

جنوبگان (قطب جنوب) و ادعای حاکمیت آنها بر بخش‌های مختلف قاره مذکور پیش از انعقاد معاهده جنوبگان در سال ۱۹۵۹ مشاهده نمود. هم‌چنین گفتنی است بر قاعده «عدم جواز تملک ملی فضای ماورای جو» پیش از اعلامیه اصول ۱۹۶۳ نیز طی قطعنامه‌ی ۱۷۲۱ مجمع عمومی سازمان ملل مورد تأکید گردیده بود.^۱ اصل مذکور با عملیات نصب پرچم آمریکا بر سطح ماه توسط فضانوردان فضاییمای آپولو (۱۱) نیز مورد خدشه واقع نگردید. به علاوه عدم وجود هر گونه مناقشه‌ی قابل توجه در تدوین ماده دوم معاهده اصول میان دولتها در مدون نمودن اصل فوق طی سندی الزام‌آور از اسناد سازمان ملل متحد خود مؤید پذیرش قاعده مذکور مدت‌ها پیش از تدوین معاهده توسط اعضای جامعه جهانی می‌باشد.

۳- عدم تکافوی حقوق الزام‌آور در حوزه حقوق بین‌الملل فضا

۳-۱. کلیت و نقصان جدی معاهدات فضایی الزام‌آور تدوین شده به ابتکار

سازمان ملل متحد

نظام قانونگذاری بین‌المللی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو نیز در خصوص منابع حقوقی از دیگر حوزه‌های حقوق بین‌الملل مستثنی نبوده منابع مذکور در ماده ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان در نظام‌مندسازی این حوزه نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید. یکی از منابع پنج‌گانه مذکور معاهدات می‌باشد و در خصوص کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو پنج معاهده سازمان ملل از عمده منابع معاهداتی محسوب می‌گردند که با تلاش «کمیته استفاده‌ی صلح‌آمیز از فضای ماورای جو (کوپوس) سازمان ملل»^۲ تهیه و تدوین گردیده‌اند. این معاهدات به ترتیب انعقاد عبارتند از: معاهده‌ی اصول حاکم بر فعالیتهای دولتها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، شامل ماه و

^۱. GA Res. ۱۷۲۱ (on International Co-operation in the Peaceful Uses of Outer Space, ۱۹۶۱), (A)(XVI).

^۲. United Nations Committee on the Peaceful Uses of Outer Space (UNCOPUOS)

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۱۳

دیگر اجرام آسمانی ۱۹۶۷، موافقتنامه راجع به نجات و بازگشت فضانوردان و اعاده‌ی اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو ۱۹۶۸، کنوانسیون مربوط به مسئولیت بین‌المللی در مورد خسارت ناشی از اجسام فضایی ۱۹۷۲، کنوانسیون ثبت اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو ۱۹۷۵ و نهایتاً موافقت‌نامه‌ی حاکم بر فعالیتهای دولتها در ماه و دیگر اجرام آسمانی ۱۹۷۹.

علاوه بر معاهدات مذکور احتساب عرف بین‌المللی به عنوان یکی دیگر از منابع حقوق بین‌الملل فضا به مانند دیگر حوزه‌های حقوق بین‌الملل مورد قبول جامعه‌ی حقوقی بین‌المللی فضایی قرار گرفته است. هم‌چون حوزه‌های دیگر حقوق بین‌الملل تابعان عضو و هم‌چنین غیرعضو معاهدات، ملزم به رعایت عرف بین‌المللی به مثابه قاعده الزام‌آور حقوقی می‌باشند. مانفرد لاکز حقوق‌دان بین‌المللی برجسته و قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری در دوران شکل‌گیری و تثبیت اولین عرف‌های بین‌المللی در خصوص حقوق بین‌الملل فضانوردکی پس از انعقاد اولین معاهده سازمان ملل در خصوص فضای ماورای جو اظهار داشت: «اولین اشیایی که توسط کشورهای پرتاب‌کننده به فضا فرستاده شدند قلمرو هوایی دولتهای مختلف را در نوردیدند.

باین وجود نه دولتهای پرتاب‌کننده از دولتهای فوق‌اجازه‌ای حاصل نمودند و نه دولتهای اخیر اعتراضی به دولتهای پرتاب‌کننده شیء صورت دادند. بدین ترتیب در مدت زمان قابل توجهی کوتاه آزادی عبور و مرور در فضای ماورای جو به عنوان یک قاعده حقوقی بین‌المللی تأسیس و توسط دولتها شناسایی گردید». باید خاطر نشان نمود که اغلب تعهدات معاهده‌ای کنوانسیون‌های موجود منعکس‌کننده عرف‌های بین‌المللی حقوق فضا می‌باشند باین وجود اکثر کشورهایی که در زمینه‌ی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو فعال هستند به تبعیت از عرف بین‌المللی در این زمینه اکتفا ننموده و به جز «معاهده‌ی ماه» که چندان مورد استقبال این دولتها قرار نگرفته است معاهدات

^۱. ICJ Report ۱۹۶۹, North Sea Contentental Shelf (Federal Republic of Germany v. Denmark and Federal Republic Germany v. The Netherlands, (Dessending opinion of Judge Lachs) ۲۰ February ۱۹۶۹, ۲۳۰.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۱۴

سازمان ملل در خصوص حقوق بین‌الملل فضا را مورد امضا و تصویب قرار داده‌اند. این موضوع بیانگر این واقعیت است که نظام کاوش و بهره‌برداری از فضا تحت حقوق الزام‌آور و به اصطلاح «سخت»ی از منابع سنتی حقوق بین‌الملل مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه‌ی دیوان مورد قانونگذاری و نظام‌مندی حقوقی قرار گرفته است که نیاز به وجود قواعد الزام‌آور مورد تأیید دولتهای فعال در زمینه کاوش و بهره‌برداری از فضا که پایه نظام حقوقی آن را تشکیل می‌دهد را تا حد زیادی برطرف می‌نماید.

در میان معاهداتی که فوقاً به آنها اشاره شد از تصویب معاهده متأخر موسوم به «معاهده ماه» قریب به سی سال می‌گذرد. معاهده‌ی مذکور در سال ۱۹۷۹ تصویب و در ۱۹۸۴ اجرایی گشت. باین وجود تنها ۱۵ دولت آن را تصویب نموده و چهار دولت دیگر آن را تنها مورد امضا قرار داده‌اند. شمار دولتهایی که معاهده مذکور را مورد تصویب قرار داده‌اند در مقایسه نسبت به دیگر معاهدات منعقد به ابتکار سازمان ملل (۱۰۲، ۹۲، ۸۹، ۶۰ تصویب در هر معاهده به ترتیب سال تصویب) در حوزه‌ی فضای ماورای جو به نحو چشم‌گیری اندک می‌باشد. نکته‌ای که بر اهمیت مسأله می‌افزاید آن است که اگر هدف عمده معاهده مذکور را نهای و مدون نمودن اصول مشترک و مورد توافق کشورهای بدانییم که بالقوه بهره‌برداران از منابع ماه و دیگر اجرام آسمانی خواهند بود نتیجه را چیزی جز یک شکست حقوقی نمی‌توان پنداشت.

۳-۲- وجود شکاف عمیق میان مواضع حقوقی فضایی دولتهای توسعه‌یافته و

در حال توسعه

گذشته از امضا و تصویب محدود و دلایل دیگری که عدم موفقیت معاهده ماه را سبب گردیده است در مورد اصول بهره‌برداری از منابع ماه و اجرام دیگر شکاف نظری عمیقی میان «دولتهای صنعتی و توسعه‌یافته»ای که امید به بهره‌برداری از منابع مذکور در چشم‌اندازی متعارف به محض اقتصادی ارزیابی نمودن استخراج این منابع را دارند و «دولتهای غیر توسعه‌یافته و یا در حال توسعه»ای که مدت زمان نامعلومی تا دستیابی به فناوری لازم جهت استخراج این منابع دارند وجود دارد. اختلاف نظری فوق دقیقاً از

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل..... ۱۵

جنس اختلاف نظری است که میان دولتهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در خصوص مفاد معاهده ۱۹۸۲ حقوق دریاهای رخ نمود. اختلافی که در خصوص بهره‌برداری از بستر اعماق دریاهای میان دولتهای مذکور بروز نمود نهایتاً معاهده دریاهای را به همان شکل با بن‌بست روبه‌رو نمود. بن‌بستی که خروج از آن تا زمان الحاق متممی که به کلی مفاد معاهده را مورد تخصیص قرار داد (موافقتنامه‌ی نیویورک) میسر نگردید. با اتکا به استدلال استقرایی می‌توان گفت که در خصوص معاهده ماه نیز با توجه به حاکم بودن نظام «وفاق عام»^۱ بر سازکار تصمیم‌سازی «کمیته‌ی استفاده‌ی صلح‌آمیز از فضای ماورای جو (کوپوس)» تا زمان استمرار وجود شکاف‌ها و اختلافات عمیق فعلی انتظار توافق جمعی ایجاد قواعد الزام‌آوری حتی به ابتکار کمیته استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو سازمان ملل در خصوص استخراج منابع ماه و اجرام دیگر آسمانی انتظاری بعید و دور از ذهن به نظر می‌رسد.

۳-۳- ورود بازیگران غیردولتی و افزایش چشمگیر فعالین صنعت فضایی و در

مقابل، فقدان مقررات در راستای مدیریت وضع موجود

پس از گذشت زمان با سرعت روزافزون پیشرفت فناوری‌های مختلف فضایی مشخص گردید فعالیت‌های مذکور علاوه بر دولتها می‌تواند توسط اشخاص غیردولتی نیز در فضای ماورای جو صورت گیرد و آن‌جا این گونه فعالیت‌ها بیش از این منحصر به دولتها نخواهد بود. بخش خصوصی نیز با توانایی فنی و مالی مناسب در قیاس با محدودیت روند تصمیم‌گیری و بودجه‌های دولتی در انجام فعالیت‌های فضایی در کنار دولتها قرار گرفت. با گسترش این روند گسترش صنعت فضایی به نماد و بارزترین نمایانگر توسعه و پیشرفت صنعتی و هم‌چنین اقتصادی هر دولت توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه تبدیل گشت. افزایش نیاز به توسعه در صنعت فضا خود موجب سرمایه‌گذارهای عظیم در این حوزه و پیشرفت مضاعف آن گردید که به صورت بالقوه

^۱. Consensus

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۱۶

به افزایش توانایی‌ها در خصوص بهره‌برداری از منابع و دیگر امکانات فضا منجر شد. با توسعه روند فوق‌علیرغم عدم امکان انکار نقش اصول بنیادین شکل گرفته در حقوق الزام‌آور (سخت) فضای ماورای جو در معاهدات سازمان ملل در این حوزه همگام با دیگر اصول حقوق بین‌الملل مندرج در منشور سازمان ملل می‌بایست گفت موارد فوق به تنهایی قابلیت پاسخ‌گویی به اقتضات جزئی، استانداردها و نیاز به شفافیت قواعد راجع به تحولات نوین حقوق مذکور را دارا نبوده و نیستند.

اصولاً قواعد و مقررات به عبارتی حقوق هر رشته علمی‌اندکی پس از بروز تحولات نوین در آن حوزه به آن واکنش نشان داده و مبانی فعالیتهای جدید آن رشته را مورد نظام‌مندسازی قرار می‌دهد. به عبارتی تحولات مادی علوم و فنون معمولاً با فاصله‌اندکی مقدم بر حقوق راه خود را درمی‌نوردند. باین وجود بر خلاف بسیاری از حوزه‌های دیگر حقوق از جمله حقوق بین‌الملل در حقوق بین‌الملل فضا حقوق با فاصله‌اندکی از ره‌آوردهای فناوری گام برنمی‌دارد بلکه سرعت بالای پیشرفت در این حوزه هم چنین عدم توافق دولتها در طی سالیان اخیر در راستا با ایجاد قواعد واحد الزام‌آور حاکم بر فعالیتهای فضایی دست به دست‌یکدیگر داده و مانع همگامی حقوق و فناوری در این حوزه گردیده است. چنان که در موارد متعددی حقوق بین‌الملل فرسنگها از تحولات نوین فعالیتهای فضایی فاصله گرفته، به نحوی که فعالیتهای مختلفی اساساً مورد توجه حقوق و قانونگذاری خاص قرار نگرفته است و لزوم ایجاد قواعد نرم غیرالزام‌آور اما موجودی که نظام حقوقی حاضر را در خصوص فعالیتهای فضایی با سازکارهایی خارج از دایره‌ی اجبار به پیش‌برد بیش از پیش احساس می‌گشته و می‌گردد.

لازم به ذکر است که البته اگرچه در خصوص فعالیتهای فضایی مورد اشاره در موارد بسیاری خلأهای حقوقی متعددی وجود دارد اما به صورت تاریخی در طی سالیان رشد و توسعه بشری به دلیل تفاوتها در سطح توسعه و فناوری تنها دولتهای معدودی توانایی انجام فعالیتهای فوق‌را دارا می‌باشند. این تعداد اگر چه امروزه رشد

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۱۷

قابل ملاحظه‌ای را شاهد بوده است باین حال در زمان کنونی نیز تعداد دولتهای عضو باشگاه فضایی هم چنان درصد کوچکی از کل دولتهای جامعه جهانی را تشکیل می‌دهند. براین مقسم می‌توان کشورهای جهان را به دو دسته «برخوردار» و «غیربرخوردار» از امکان انجام فعالیتهای فضایی تقسیم نمود. معاهدات حقوق فضای سازمان ملل سعی بر آن دارد که با عباراتی کلی این حقیقت جامعه جهانی را در نظر گرفته با تکیه بر «اصول همکاری و کمک متقابل» و با تأکید بر آن که «دولتهای عضو تمامی فعالیتهای خود در فضای ماورای جو را با توجه مقتضی نسبت به منافع مشابه سایر دول به اجرا در خواهند آورد» به اقتضائات آن پاسخ گوید.^۱

اما در عمل اصول موجود معاهدات حقوق فضای سازمان ملل که فوقاً بدان اشاره شد به تنهایی نمی‌توانند پاسخ گوی شفاف‌سازی قابل توجه نسبت به اصول و شیوه عمل آن جام فعالیتهای مختلف فضایی و حقوق و تعهدات ناشی از آن آنچنان که شایسته و مورد نیاز این حوزه است قرار گیرند. مخصوصاً کلی‌پردازی معاهدات موجود فعالیتهای تجاری نظیر پخش مستقیم شبکه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره‌ای، سنجش از راه دور از طریق فضای ماورای جوهم چنین استفاده از فناوری ماهواره‌ای در بهره‌برداری از نیروگاه‌های هسته‌ای انبوهی از از سؤالات و خلأهای حقوقی را در این زمینه پیش روی فعالین این حوزه‌ها قرار داده است. خلأ موجود را نمی‌توان با ایجاد قواعد سخت (الزام‌آور) و جزئی‌تر جدید جبران نمود چرا که با اختلاف‌نظرهای حقوقی موجود به خصوص میان دولتهای توسعه‌یافته و در حال توسعه اساساً امکان توافق بر قواعد الزام‌آور تازه بعید به نظر می‌رسد. این حقیقت با توجه به عدم توفیق «معاهده ماه» در همراه نمودن دولتها با اصول خود بیشتر نمایان می‌گردد.

بااین وجود روند رو به رشد و توسعه‌ی حقوق فضا را نمی‌توان بدون حاکمیت هر گونه نظم حقوقی به دست بی‌نظمی و بی‌قاعدگی سپرد. خلأ به وجود آمده و عدم امکان

^۱. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and other Celestial Bodies, ۱۹۶۷, art. IX.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل..... ۱۸

حصول توافقی جهانی بر قواعد الزام‌آور جهانی جامعه جهانی را به سوی ایجاد «حقوق نرم» در حوزه فضای ماورای جو و تدوین اصول و قواعد تازه از طریق حقوق مذکور به ویژه به وسیله‌ی درج آنها ضمن قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد متمایل نموده است.

۳-۴- جزیی تر شدن و افزایش تصاعدی گستره‌ی مادی و معنوی فعالیت‌های انسانی در فضای ماورای جو

حقوق بین‌الملل را در ساده‌ترین عبارات ممکن می‌توان این گونه تعریف نمود: «مجموعه قواعد و مقررات حقوقی که روابط میان دولت‌ها را تنظیم نموده، موجد حق و تکلیف برای آنها می‌باشد».^۱ حقوقی که باندکی تغییر ماهیت سنتی برگرفته‌ی خود را از «حقوق ملت‌ها»^۲ آی مورد تأکید بسیاری از حقوق دانان از جمله «گروسیوس»^۳ بر اصولی هم چون «تمامیت سرزمینی»^۴ و «حاکمیت دولت»^۵ استوار ساخته است. حقوق مذکور در طی قرون متمادی از ریشه‌های خود راهی طولانی را به سوی جهانی شدن و ایجاد مجموعه‌ای از قواعد جهان‌شمول قابل اجرا در خصوص فعالیت‌های مختلف بین‌المللی در سراسر کره زمین طی نموده است.

در سالیان اخیر حقوق بین‌الملل پای از کره‌ی خاکی نیز فراتر نهاده و حوزه «کاوش و استفاده از فضای ماورای جو» را نیز به دامنه شمول قواعد خود اضافه نموده است. قواعد مذکور مندرج در معاهدات سازمان ملل در خصوص فضای ماورای جو بخش عمده‌ای از قواعد حقوق بین‌الملل را در حوزه مورد بحث موسوم به قواعد الزام‌آور یا «حقوق سخت»^۶ تشکیل می‌دهد. باین وجود این دسته از قواعد حقوق بین‌الملل نیز

^۱. Shaw. Malcom N., *International law*, ۶th ed., Cambridge University Press, Cambridge, ۲۰۰۸, p.۱.

^۲. Law of Nations

^۳. Grotius

^۴. Territorial Integrity

^۵. Sovereignty of State

^۶. Hard

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^{۱۹}

مانند دیگر قواعد قابلیت تفسیر بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی تفسیر معاهدات مندرج در کنوانسیون حقوق معاهدات وین را دارا هستند.^۱

علی‌رغم اختلاف نظرهایی که در خصوص برخی از قواعد فوق‌الذکر در میان حقوق‌دانان حقوق بین‌الملل فضا و به طور خاص در زمینه تفسیر عبارت «اهداف صلح آمیز» مندرج در معاهدات حقوق بین‌الملل فضا وجود دارد^۲ می‌توان گفت قواعد مذکور به طور کلی تعهدات مجموعاً الزام‌آوری را در جامعه حقوقی بین‌المللی پدید آورده‌اند. به عبارت تخصصی‌تر به قواعد مذکور می‌توان عنوان «قواعد معاهده‌ای» و در مواردی «اسناد معاهده‌ای منعکس‌کننده عرف بین‌المللی» یاد نمود.

۳-۵- افزایش سهم سازمانهای بین‌المللی در تصمیم‌گیری در خصوص فعالیتهای

فضایی در مقابل دولتها

بدیهی است که با روند رو به رشد «جهانی شدن»^۳ و پیشرفت روزافزون فناوری، دامنه‌ی حقوق بین‌الملل نیز رو به گسترش نهاده است و به تبع علاوه بر تابعان سنتی آن بازیگران جدیدی نیز با احراز شخصیت حقوقی بین‌المللی در عرصه حقوق بین‌الملل ظهور نموده‌اند. باین وجود برخی تابعان خاص حقوق بین‌الملل همانند سازمانهای بین‌المللی و به عبارتی بین‌الدولی نظیر سازمان ملل متحد جایگاه ویژه‌ای در میان دیگر تابعان این حقوق‌یافته نه تنها اهلیت انعقاد معاهدات رایافته‌اند بلکه توانایی تحمیل برخی تصمیمات خود بر دولتها را نیز دارا هستند. در حوزه‌ی حقوق فضا نیز به همین ترتیب سازمانهای بین‌المللی همانند «سازمان ملل متحد» به عنوان سازمان بین‌المللی مرجع و قاعده‌ساز این حوزه، «آژانس فضایی»^۴ و «اتحادیه‌ی بین‌المللی ارتباط

^۱. Vienna Convention on the Law of Treaties, ۱۹۶۹, arts. ۳۱(۱) & ۳۲

^۲. Freeland Stven, The Applicability of the Jus in bello Rules of International Humanitarian Law to the Use of Outer Space, Proceedings of the ۲۹th Colloquium on the Law of Outer Space, ۲۰۰۶, p. ۲۳۸

^۳. Globalisation

^۴. Space Agency (ESA)

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....^{۲۰}

ارتباط از راه دور (تلفن و مخابرات)»^۱ و اخیراً «اتحادیه‌ی اروپا»^۲ نقش عمده‌ای در مناسبات نظام‌مندسازی حقوقی و اجرای حقوق فضا در سطح بین‌المللی بر عهده گرفته‌اند. نقش سازمانهای مذکور را می‌توان حتی در اثنای بارقه‌های آغازین حقوق بین‌الملل فضا گام به گام دولتها مشاهده نمود. گذشته از دولتها و سازمانهای بین‌المللی «سازمانهای غیردولتی»^۳ و «افراد»^۴ نیز علیرغم آن که از جمله تابعان منفعل حقوق بین‌الملل سنتی به شمار می‌روند در پرتو تحولات نوین حقوق بین‌الملل از جمله تحولات حقوق بشر و امکان اقامه مستقیم دعوی علیه دولتها بر مبنای معاهدات حقوق بشری و نیز جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی و امکان طرح دعوی مستقیم علیه دولتها بدون مستقیماً و بدون توسل به حمایت دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در عصر مدرن علاوه بر اعمال پیش‌تر جرم‌انگاری شده هم چون دزدی دریایی و هم چنین احراز مسئولیت کیفری بین‌المللی فردی مرتکبین آنها جایگاهی متفاوت از آن چه پیش از این داشته‌اند یافته‌اند.

علیرغم آن که در اسناد سازمان ملل در خصوص فضای ماورای جوانجام فعالیتهای فضایی ملی توسط سازمانها و اشخاص حقوقی و حقیقی غیردولتی نیز همانند دولتها پیش‌بینی شده است باین وجود مسئولیت بین‌المللی ناشی از فعالیتهای فوق بر اساس حقوق بین‌الملل بر عهده دولتها قرار گرفته است. ماده ششم «معاهده‌ی اصول حاکم بر فعالیتهای دولتها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جوشامل ماه و دیگر اجرام آسمانی»^۵ مسئولیت بین‌المللی دولتها ناشی از فعالیتهای ملی در فضای ماورای جو را که توسط دولت ویا موجودیت‌های غیردولتی مورد اجرا قرار گیرد بر عهده خود دولتها بار نموده است. بر اساس مقررره فوق صدور مجوز انجام فعالیتهای فضایی توسط

^۱. International Telecommunication Union (ITU)

^۲. European Union (EU)

^۳. Non-Governmental Organizations (NGOs)

^۴. Individuals

^۵. UN Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and other Celestial Bodies

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل..... ۲۱

موجودیت‌های غیردولتی و هم‌چنین نظارت بر انجام فعالیت‌های مذکور بر عهده دولت طرف معاهده متبوع موجودیت غیردولتی می‌باشد.^۱ علیرغم آن که دامنه‌ی شمار و انواع فعالیت‌های فضایی در سال‌های اخیر شاهد رشدی سریع و تصاعدی می‌باشد معاهده فوق‌حاوی هیچ مقرره جزئی در خصوص نحوه‌ی صدوراین مجوزها و نظارت مندرج در ماده ششم نبوده اما این تعهد را به صورت کلی برای دولت‌ها شناسایی نموده است. نظر به مقدمات فوق گستردگی روزافزون دامنه فعالیت‌های فضایی ایجاب می‌دارد که قواعد جامع‌تری در حقوق بین‌الملل متناسب با افزایش دامنه مادی فعالیت‌های مذکور برای توصیف و تشریح تعهدات دولت‌ها در خصوص این فعالیت‌ها شکل گیرد.

۴. تعامل حقوق نرم با حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو در دوران

معاصر

با وجود مطالبی که در خصوص قابلیت تبدیل قواعد نرم به مقررات الزام‌آور عرفی و یا معاهده‌ای فوقاً تشریح گردید اگر چه نگارنده با نظر آن دسته از نویسندگان مخالف هر گونه اثر حقوقی قاعده‌ی نرم همراه نمی‌گردد لیکن نمی‌توان در تأثیر قاعده‌ی نرم به وجود آمده ولو به ابتکار سازمان ملل نیز اغراق ورزید.^۲ تا قواعد مذکور از سطح قواعدی نرم و غیرالزام‌آور فراتر نرفته و به قواعد الزام‌آور تبدیل نشده‌اند می‌توانند توسط رویه‌ی مغایر دولت‌ها در تاریخ پس از شکل‌گیری قاعده‌ی نرم مورد تعدیل، تغییر، اصلاح، ترک و یا حتی نسخ قرار گیرند. در خصوص تبدیل یک قاعده حقوق نرم در حقوق بین‌الملل به قاعده‌ی عرفی الزام‌آور نمی‌بایست از نظر دور داشت که برای شکل‌گیری چنین عرفی هر دو رکن مادی و روانی تشکیل‌دهنده عرف مورد استناد می‌بایست توأمان و هم‌زمان مورد رعایت دولت‌ها قرار گرفته باشد و هم‌چنین بدیهی است

^۱ UN Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and other Celestial Bodies, ۱۹۶۷, art.VI

^۲ Klabbers Jan, Undesirability of Soft Law, Nordic Journal of International Law, ۶۷, ۱۹۹۸, p.۳۸۱.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۲۲

تشکیل قاعده‌ای معاهده‌ای نیازمند انعقاد معاهده می‌باشد. قاعده‌ی نرم «لزوم کسب جواز از دولت گیرنده امواج تلویزیونی ماهواره‌ای» می‌تواند یک نمونه‌ی کامل از قاعده‌ی نرمی تلقی گردد که در رویه‌ی دولتها پس از ایجاد قاعده عقیم ماند. اصل مذکور که در پاراگراف‌های ۱۳ و ۱۴ پیوست «اصول حاکم بر استفاده دولتها از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی» منضم به قطعنامه‌ی ۳۷/۹۲ مجمع عمومی در سال ۱۹۸۲ به عنوان قاعده‌ای نرم وارد اسناد بین‌المللی گردید. بر اساس اصل مذکور دولت فرستنده امواج تلویزیونی یا دولتی که مجوز ارسال این امواج را به شخص خصوصی صادرکننده این امواج می‌دهد نه تنها می‌بایست دولت یا دولتهایی را که امواج مذکور را دریافت خواهند داشت قبلاً از اقدام خود مطلع نماید بلکه می‌بایست برای کسب رضایت دول مذکور با آنها وارد مذاکره شده مطابق قواعد «اتحادیه بین‌المللی ارتباط از راه دور» با دولتهای دریافت‌کننده مبادرت به امضا و مبادله‌ی موافقتنامه نماید.^۱

با این وجود رویه‌ی دولتها در این خصوص به کلی قاعده‌ی نرم موجود را نادیده انگاشته و بعید به نظر می‌رسد در وضعیت کنونی قاعده‌ی مذکور بخت پیوستن به هیچ‌یک از قواعد الزام‌آور عرفی و یا معاهده‌ای را ضمن حقوق بین‌الملل داشته باشد. نکته‌ای که در راستای پیشینه نمودن احتمال اقبال جهانی نسبت به قواعد نرم در حال تدوین توسط سازمان ملل متحد شایان توجه به نظر می‌رسد آن است که اصول پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره مندرج در ضمیمه‌ی قطعنامه‌ی فوق از معدود قواعدی محسوب می‌گردند که استثنائاً به وسیله‌ی آیین «وفاق عام» در کوپوس مورد تصویب قرار نگرفتند.

از طرف دیگر در امکان‌ایجاد الزام‌آوری توسط قواعد نرم با اتکا به رعایت قاعده‌ی حقوقی در طول زمان نیز نمی‌توان آنچنان بدبین بود. مخصوصاً در مواردی هم چون قطعنامه‌ی ۴۷/۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص «اصول راجع به استفاده از

۱. GA Res. No. ۳۷/۹۲ (Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting, ۱۹۸۲. Annex. Para. ۱۳-۱۴.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل..... ۲۳

منابع انرژی هسته‌ای در فضای ماورای جو» که روند توافق بر مندرجات سند بیش از یک دهه به طول انجامیده است نمی‌توان مدعی گردید دولتهایی که با چنین حساسیت، دقت و پیگیری به صدور چنین اسنادی مبادرت می‌ورزند قصد بار نمودن «هیچ گونه» اثر حقوقی را بر اسناد مذکور ندارند.^۱

پیچیدگی دیگری که در این خصوص وجود دارد آن است که در عصر حاضر بخش خصوصی نیز به نحو گسترده و همگام با دولت (و چه بسا پیشگام نسبت به دولتها) وارد عرصه‌ی فعالیتهای فضایی گردیده و بسیاری از اعمال و فعالیتهای فضایی که می‌توانست در صورت انجام توسط دولتها نقش «رویه‌ی دولتها» را در حقوق بین‌الملل مربوط به این حوزه ایفا نماید توسط اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی انجام می‌پذیرد و نمی‌تواند مستقیماً عمل دولت معینی محسوب گردد. باین حال از آن جا که تمام فعالیتهای فضایی آن جام شده توسط این اشخاص نیز به موجب قانونگذاری دول متبوع به لحاظ حقوقی نظام‌مند می‌گردد می‌توان نحوه قانونگذاری دولتها در خصوص فعالیتهای مذکور و هم چنین آرای بین‌المللی در خصوص مسئولیت دولتها در قبال اشخاص خصوصی متبوع مشغول به فعالیتهای فضایی را رویه‌ی قابل اتکایی جهت استناد معتبر در حقوق بین‌الملل محسوب نمود.

نتیجه‌گیری

همگام با توسعه‌ی حقوق بین‌الملل قواعد نرم ذیل حقوق مذکور نیز به ویژه در حوزه حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو رو به رشد و توسعه می‌باشند و اثربخشی قواعد مذکور در ایجاد قواعد الزام‌آور ضمن معاهدات مختلف، عرف بین‌المللی و شناسایی عرف بین‌المللی موجود جامعه‌ی جهانی را هر چه بیشتر به تدوین این گونه قواعد متمایل نموده است.

^۱GA Res. No. ۴۷/۶۸ (Principles Relevant to the Use of Nuclear Power Sources in Outer Space), ۱۹۹۲.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۲۴

برای قواعد نرم موجود در حقوق بین‌الملل فضا آثاری چند را می‌توان متصور شد. اول آن که قواعد مذکور نوعی خط‌مشی و دستورالعمل راهنمای پیشنهادی به دولتها، سازمانهای بین‌المللی و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل برای استفاده در انجام فعالیتهای فضایی ارایه می‌دهند. نقش مذکور قواعد نرم در دهه اخیر که رشد تصاعدی فناوری فضایی حقوق و نظام‌مندی حقوقی فعالیتهای فضایی را از قافله دانش عقب‌انداخته پررنگ‌تر نیز گشته است. ابعاد تازه‌ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو و محدودیت منابع در مقابل نیازهای نامحدود اعضای جامعه‌ی جهانی و نهایتاً ملتها، هم چنین اختلاف دانش و فناوری دولتهای مختلف در خصوص اکتشاف و بهره‌برداری فوق‌جامعه‌ی حقوقی را علیرغم عدم امکان توافق نهایی بر قواعدی متحد و یکپارچه به واکنشی نظام‌بخش (هر چند غیرالزام‌آور) به فعالیتهای فضایی موجود وا داشته است.

دوم آن که قواعد مذکور قابلیت آن را دارند پس از گذر زمان، شفافیت و کنکاش در اعماق مسایل و اختلافات حقوقی و سیاسی و هم چنین با پیشرفت در مذاکرات منطقه‌ای و جهانی در معاهدات احتمالی منعقد شده انعکاس یابند. این امر مانع از آن نخواهد بود که در صورتی که قواعد نرم حاضر به قواعد معاهده‌ای تبدیل نگشتند از طرف دولتها مورد رعایت و تبعیت قرار نگیرد. حقیقت فوق‌امر تنها بدین معنا خواهد بود که نقض قاعده‌ی مذکور برای دولت ناقض مسئولیت بین‌المللی نخواهد داشت. هر چند عدم مسئولیت نیز در صورتی صادق خواهد بود که قاعده‌ی مذکور قبلاً تحت استمرار مادی و اعتقاد دولتها به الزام‌آوری، تبدیل به قاعده‌ی عرفی بین‌المللی نشده باشد. انعکاس اصول حقوقی مندرج «اعلامیه اصول حقوقی حاکم بر فعالیتهای دولتها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو-۱۹۶۳» با حداقل تغییر و اصلاح در معاهده‌ی «معاهده اصول حاکم بر فعالیتهای دولتها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی- ۱۹۶۷» نمونه‌ای بارز از تولید قواعد نرم منجر به صدور معاهده و انعکاس قواعد نرم موجود در آن می‌باشد.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۲۵

سوم قواعد نرم حقوق بین‌الملل فضا می‌توانند در صورتی که رویه‌ی دولتها آن را مورد پذیرش قرار داده و رفتار خلاف آنها تثبیت نگردد هم چنین هنگامی که تکرار رفتار مادی منطبق با عرف همراه با اعتقاد حقوقی به الزام‌آوری قاعده‌ی مورد استناد صورت گیرد ولو آن که قواعد مذکور در هیچ معاهده‌ای منعکس نگردند به صورت قاعده‌ی عرفی بین‌المللی در آمده و تمام دولتها را موضوع الزام خود قرار دهند. ظهور اصل «عدم امکان تملک ملی و ادعای حاکمیت دولت بر فضای ماورای جو» به عنوان یک از اصول بنیادین و شناخته شده در حقوق بین‌الملل فضا ماحصل همین فرایند محسوب می‌گردد. اگرچه در مواردی مانند «لزوم مذاکره و انعقاد موافقتنامه با کشور دریافت‌کننده امواج تلویزیونی ماهواره‌ای» عکس این حالت رخ داده و قاعده‌ی پیشنهادی توسط سازمان ملل اقلماً توسط دولتهای فرستنده یا متبوع اشخاص خصوصی فرستنده‌ی امواج تلویزیونی ماهواره‌ای مورد رعایت قرار نگرفته است.

چهارمین اثرايجاد قواعد نرم در حوزه حقوق بین‌الملل فضای ماورای جو آن است که روند تولید قواعد نرم در مورد قواعدی که هنوز عرفی شدن آنها در میان تابعان جامعه‌ی حقوقی بین‌المللی مورد تردید و یا ابهام می‌باشد ممکن است قاعده‌ی نرم مورد بحث را با اقبال عمومی و چه بسا بدون مخالفت دولتها و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل قرار داده کاشف از عرفی شدن قاعده‌ی مذکور گردد. در این حالت پس از احراز توافق حقوقی دولتها در خصوص مسأله‌ی کشف به عمل خواهد آمد که قاعده‌ای که از ابتدا نرم خوانده می‌شد اساساً قاعده‌ای عرفی و الزام‌آور بوده است و نرم خواندن آن در ابتدای مذاکرات تنها به دلیل وجود ابهام نسبت به عرفی شدن قاعده بوده است. با این وجود تا زمان عدم اثبات الزام‌آور شدن یک قاعده‌ی نرم به صورت عرفی و یا معاهده‌ای ولو آن که مانند «اصول راجع به استفاده از منابع انرژی هسته‌ای در فضای ماورای جو» موضوع قطعنامه‌ی ۴۷/۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنها تدوین اصول، یک دهه به طول انجامد و روند تبدیل اصول نرم به معاهده زمان طولانی را نیازمند باشد. در پایان می‌بایست گفت تلاش دولتها، سازمانهای بین‌المللی و دیگر تابعان حقوق

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۲۶

بین‌الملل فعال در زمینه فضای ماورای جو در خصوص آغاز و استمرار مذاکرات و یکسان ساختن قواعد حقوقی این حوزه ضروری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. نقل قول سخنان حقوقدان برجسته و قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری «رابرت جینگز»^۱ در دهه هشتاد میلادی همزمان با مذاکرات تصویب برخی از مهم‌ترین قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص اصول حقوق بین‌الملل فضا و ویژگی کلی قواعد نرم را به بهترین نحو تصویر کشیده نگارنده را از اضافه نمودن هر سخن دیگر در این خصوص بی‌نیاز می‌سازد: «پیشنهاد به رعایت قواعد نرم پیشنهادی ممکن است حقوق به معنای واقع‌نسازد باین حال نمی‌توان در توصیه‌ی دولتها به رعایت قواعد مذکور لحظه‌ای تردید ورزید. حقوق نرم بین‌الملل حتی اگر حقوق به معنای دقیق کلمه محسوب نگردد در هر صورت حتی در استدلال حقوقی نمی‌توان آن را نادیده انگاشت و بر عدم تأثیر آن پای فشرد».^۲

^۱. Robert Jennings

^۲. Jennings Robert, What is International Law and How Do We Tell it When We See it? :Nulla Poena Sine Lege in English Criminal Law (The Cambridge-Tilburg law lectures), Springer Publications, ۳rd series, ۱۹۸۰, p.۱۴.

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۲۷

منابع و مأخذ

۱. Dupuy Pierre-Marie, Soft Law and the International Law of the Environment, Michigan Journal of International Law, ۱۲, ۱۹۹۱.
۲. Freeland Stven, The Applicibility of the Jus in bello Rules of International Humanitarian Law to the Use of Outer Space, Proceedings of the ۴۹th Colloquium on the Law of Outer Space, ۲۰۰۶.
۳. ICJ Rep. ۱۹۸۶ (Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Nicaragua V. United States of America), Judgment (Merits) ۲۷ June ۱۹۸۶.
۴. ICJ Report ۱۹۶۹, North Sea Contental Shelf (Federal Republic of Germany v. Denmark and Federal Republic Germany v. The Netherlands, (Dessending opinion of Judge Lachs) ۲۰ February ۱۹۶۹.
۵. J. Lee Rickey & Freeland Steven, The Crystallisation of General Assembly Space Declarations into Customary International Law, Proceedings of the ۴۶th Colloquium on the Law of Outer Space, ۲۰۰۴.
۶. Jennings Robert, What is International Law and How Do We Tell it When We See it?: Nulla Poena Sine Lege in English Criminal Law (The Cambridge-Tilburg law lectures), Springer Publications, ۳rd series, ۱۹۸۰.
۷. Klabbbers Jan, Undesirability of Soft Law, Nordic Journal of International Law, ۶۷, ۱۹۹۸.
۸. M. Chinkin Christine, The Challenge of Soft Law: Development and Change in International Law, The International and Comparative Law, ۳۸, ۱۹۸۹.
۹. Shaw. Malcom N., International law, ۶th ed., Cambridge University Press, Cambridge, ۲۰۰۸.
۱۰. UN Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space, ۱۹۷۵.
۱۱. UN DOC. A/۴۱/۴۱ (Report of the Ad Hoc Committee on the Peaceful Uses of Outer Space to the United Nations General

لزوم اتکا بر «حقوق نرم» در راستای توسعه و نهادینه‌سازی حقوق بین‌الملل.....۲۸

Assembly), ۱۹۵۹. Part.۳

۱۲. UN GA Res XVII (International Co-operation in the Peaceful Uses of Outer Space, ۱۹۶۲.

۱۳. UN GA Res. ۱۷۲۱ (on International Co-operation in the Peaceful Uses of Outer Space, ۱۹۶۱.

۱۴. UN GA Res. ۲۱۷A (III) (on the Universal Declaration of Human Rights), (۱۹۴۸).

۱۵. UN GA Res. No. ۳۷/۹۲ (Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting) ۱۹۸۲.

۱۶. UN GA Res. No. ۴۷/۶۸ (Principles Relevant to the Use of Nuclear Power Sources in Outer Space), ۱۹۹۲.

۱۷. UN GA Res. XVIII (Declaration of Legal Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space), ۱۹۶۳.

۱۸. UN Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space , including the Moon and other Celestial Bodies, ۱۹۶۷.

۱۹. UNCOPUOS Rep. A/AC/.۱۰۵/۸۹۰ (Report of the Scientific and Technical Subcommittee ۴۴th session, Annex ۴.) ۲۰۰۷.

۲۰. US Circuit Court of Appeals, ۲nd Circuit, ۱۹, ILM, ۱۹۶۶.

۲۱. US Department of State Bulletin No.۱۹, ۱۹۴۸.

Archive of SID